

# ولایت فقیه در آیات قرآن

به کوشش: عبدالله صدیق

## ۳- شرایط حاکم

شرط اول: اسلام و ایمان

شرط دوم: عدالت

شرط سوم: فقاہت

پاسخ به دو مطلب

شرط چهارم: کفایت

نتیجه

توجه به سه نکته ضروری

اول: سخن پیامبر و امام وحی است

دوم: سه راه اثبات

سوم: معنی اطلاق در ولایت

ولایت فقیه در قرآن

۱- اصل حکومت و ولایت در اسلام

۲- اطلاق ولایت

# ولایت فقیه

## در آیات قرآن

قبل از ورود به این بحث توجه به سه نکته ضروری است:

### اول: سخن پیامبر و امام وحی است

ابتدا توجه به این نکته لازم است که گاه گمان می‌شود که تنها مدرک اسلامی بودن یک مسئله مطرح شدن آن به صورت صریح در قرآن کریم است و هر آن‌چه در قرآن به صراحت به آن اشاره نشده است قابل اثبات نیست.

با قطع نظر از این که عقل و سنت نیز هر یک دلیل و مدرک معتبری در کنار قرآن است و اسلام را می‌توان و بلکه باید از مجموع هر سه منبع (قرآن، سنت و عقل) شناخت به توضیح این مسائله می‌پردازیم که خداوند در قرآن کریم که روشن‌گر راه هدایت است برخی از امور را خود به‌طور مستقیم و بدون واسطه بیان کرده است مانند کلیات بسیاری از احکام

و برخی از امور را به طور غیرمستقیم و با واسطه‌ی پیامبر بیان فرموده است. قرآن به این واسطه تصریح کرده و تبیین هدایت را بر عهده پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌گذارد:

« وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ - و این قرآن را به سوی تو فرو فرستادیم

تا برای مردم آن چه را به سوی ایشان نازل شده است توضیح دهی. » (نحل/۴۴)  
و نیز فرمود « مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ مَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا - آن چه را رسول خدا برای شما آورد بگیریید و آن چه را نهی کرد خودداری کنید. » (حشر/۷)

و همچنین فرمود: « وَ النَّجْمِ إِذَا هَوَىٰ (۱) مَا ضَلَّ صَاحِبِكُمْ وَ مَا غَوَىٰ (۲) وَ مَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ (۳) إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ (۴) - سوگند به ستاره هنگامی که افول می‌کند (۱) که هرگز دوست شما [محمد ص] منحرف نشده و مقصد را گم نکرده است (۲) و هرگز از روی هوای نفس سخن نمی‌گوید (۳) آن چه می‌گوید چیزی جز وحی که بر او نازل شده نیست (۴). » (سوره نجم)

از این آیات به دست می‌آید که خداوند متعال فرامین رسول خود را قائم مقام خود کرده است پس می‌توان با استناد به این آیات هر چه را پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود سخن غیر مستقیم قرآن دانست درست مانند این که مالک خانه از دو طریق می‌تواند کلید همه اتاق‌های خانه را به شخصی بدهد یکی این که مستقیماً "همه کلیدها را به او بدهد و دیگر این که کلید یک اتاق را بدهد و کلید اتاق‌های دیگر را در آن اتاق بگذارد و محل آن را نیز به آن شخص بگوید در هر دو طریق می‌توان گفت آن شخص کلید همه‌ی اتاق‌ها را از مالک خانه گرفته است.

با این سخن می‌توان عمل به همه‌ی روایات معصومین علیهم‌السلام را عمل به قرآن و سخن آنان را سخن قرآن دانست پس ادله روایی مسئله ولایت مطلقه فقیه که در همه‌ی کتب مربوط به ولایت فقیه آمده است بیگانه از استناد به قرآن نیست.

### دوم: سه راه اثبات

ولایت مطلقه فقیه از سه طریق قابل اثبات است:

- ۱) دلیل عقلی محض: یعنی بدون استناد به هیچ آیه و روایتی.
- ۲) دلیل نقلی محض: یعنی فقط از آیه و روایت و بدون مدد از دلیل عقلی.
- ۳) دلیل تلفیقی: یعنی از مجموع دلایل عقلی و نقلی.

هر یک از این سه طریق به تفصیل در کتب مربوطه مطرح شده است ولی در این مقاله فقط بخش قرآنی آن (یعنی استناد ولایت فقیه به قرآن) مطرح می‌شود.

### سوم: معنی اطلاق در ولایت

در ولایت مطلقه فقیه ولایت به معنی زعامت، رهبری و حکومت اسلامی و اطلاق آن بدین معنا است که دایره‌ی اختیارات ولایت فقیه اختصاص به یک حوزه خاص از مسائل اجتماعی ندارد بلکه هر حوزه‌ای را که دخالت حکومت در آن لازم است شامل می‌شود پس فقیه می‌تواند در تمامی این حوزه‌ها با رعایت ضوابط و قوانینی که اسلام تعیین کرده تصمیم‌گیری و اجرا کند.

ولایت مطلقه فقیه هرگز بدین معنا نیست که فقیه در تصمیم‌گیری و اجرا هیچ قید و شرطی ندارد و رعایت هیچ ضابطه‌ای بر او لازم نیست. این معنای باطل از ولایت مطلقه توسط هیچ فقیه‌ی ابراز نشده فقط توسط ناآگاهان یا غرض‌ورزان بیان شده است.

پس اطلاق در ولایت به معنای گستره‌ی ولایت بر همه‌ی حوزه‌هایی است که دخالت حکومت در آن لازم است، بدین معنا اختیارات همه‌ی حکومت‌های متعارف در سطح جهان امروز مطلقه است زیرا بقای هیچ حکومتی بدون اجازه و دخالت در همه‌ی حوزه‌های حکومتی امکان‌پذیر نیست. البته هر حکومتی در جهان برای تصمیم‌گیری و اجرای قوانین رعایت ضوابطی را بر خود لازم می‌داند. در حکومت ولایت فقیه نیز این ضوابط از سوی دین تعیین شده است.

## ولایت فقیه در قرآن

برای اثبات ولایت مطلقه فقیه از قرآن باید مسائل زیر را از قرآن به دست آورد:

- ۱- اصل حکومت و ولایت در اسلام.
- ۲- اطلاق ولایت.
- ۳- شرایط حاکم: یعنی اسلام و ایمان، عدالت و آگاهی به اسلام (فقاہت) و کفایت.

### ۱- اصل حکومت و ولایت در اسلام

لزوم حکومت در هر جامعه‌ای از بدیهیات است و نیازی به دلیل ندارد در این جا فقط به آیاتی که ولایت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و امامان معصوم علیهم السلام را ثابت می کند اشاره می کنیم.

« النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ - پیامبر نسبت به مؤمنان از خودشان سزاوارتر است.»

(احزاب/۶) پس اگر تصمیمی درباره‌ی آنان گرفت اطاعت از آن بر مردم لازم است.

« وَ مَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا لِمُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَىٰ اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ -

هیچ مرد و زن با ایمانی حق ندارد هنگامی که خدا و پیامبرش امری را لازم بدانند، اختیاری (در برابر فرمان خدا) داشته باشد» (احزاب/۳۶)

و بعضی از آیاتی که امر به اطاعت از پیامبر کرده است:

« قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَإِن تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَحِبُّ الْكَافِرِينَ - بگو: از خدا و فرستاده

(او)، اطاعت کنید! و اگر سرپیچی کنید، خداوند کافران را دوست نمی دارد.» (آل عمران/۳۲)

« وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ - و خدا و پیامبر را اطاعت کنید، تا مشمول

رحمت شوید.» (آل عمران/۱۳۲)

« وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَ اخْذَرُوا - اطاعت خدا و اطاعت پیامبر کنید! و (از

مخالفت فرمان او) بترسید.» (مائده/۹۲)

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَ لَا تَوَلَّوْا عَنَّهُ - ای کسانی که ایمان آورده اید!

خدا و پیامبرش را اطاعت کنید و سرپیچی ننمایید» (انفال/۲۰)

« أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ - خدا را اطاعت کنید، و از پیامبرش فرمان برید » (نور/۵۴)  
 « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ لَا تَبْغُوا أَعْمَالَكُمْ - ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اطاعت کنید خدا را، و اطاعت کنید رسول (خدا) را، و اعمال خود را باطل نسازید. » (محمد/۳۳)

« فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ - نماز را برپا دارید و زکات را ادا کنید و خدا و پیامبرش را اطاعت نمایید. » (مجادله/۱۳)  
 و درباره ولایت امامان معصوم علیهم السلام نیز فرمود:

« إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ ءَامَنُوا الَّذِينَ يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ - سرپرست و ولیّ شما، تنها خداست و پیامبر او و آن‌ها که ایمان آورده‌اند همان‌ها که نماز را برپا می‌دارند، و در حال رکوع، زکات می‌دهند. » (مائده/۵۵) این آیه به اتفاق همه مفسرانی که (شیعه و سنی) برای آن شان نزول ذکر کرده‌اند در حق امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام نازل شده است.

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ - ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولی الامر [اوصیای پیامبر] را. » (نساء/۵۹)

## ۲- اطلاق ولایت

آیاتی که در مسئله قبل ذکر شد هیچ یک اطاعت از پیامبر و اولوالامر را مقید به مورد خاص یا موضوع خاص نکرده و آن را به صورت مطلق بیان فرموده است. در آیه دوم اطاعت هر حکمی که خدا و رسول کردند بر مردم لازم شمرده شده است. در آیاتی که امر به اطاعت از پیامبر و اولوالامر شده است نیز هیچ قیدی برای آن ذکر نشده است پس از این آیات اطلاق در ولایت ثابت می‌شود.

از آن جا که حکومت در جامعه اسلامی از ضروریات است و اختصاص به زمان رسول الله یا زمان حضور معصوم ندارد از این آیات می‌توان اطلاق ولایت را برای حاکم اسلامی در هر دوره‌ای ثابت کرد.

## ۳- شرایط حاکم

شرط اول: اسلام و ایمان.

خداوند می‌فرماید: «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا - خداوند هرگز کافران را بر مؤمنان سلطه نمی‌دهد.» (نساء/۱۴۱)

«لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَ مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاتَةً - افراد باایمان نباید به جای مؤمنان، کافران را دوست و سرپرست خود انتخاب کنند و هر کس چنین کند، هیچ رابطه‌ای با خدا ندارد. (و پیوند او به کلی از خدا گسسته می‌شود)» (آل عمران/۲۸)

شرط دوم: عدالت

عدالت در مقابل ظلم است. خداوند حکومت و ولایت ظالمین را نمی‌پذیرد پس حاکم و ولی باید عادل باشد.

فرمود: «وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ - و بر ظالمان تکیه ننمایید، که موجب می‌شود آتش شما را فرا گیرد.» (هود/۱۱۳) و این رکون در روایات به رکون دوستی و اطاعت تفسیر شده است. (تفسیر علی بن ابراهیم ج ۱ ص ۳۳۸)

و در شرط امامت به حضرت ابراهیم فرمود: «قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ - خدا فرمود: من تو را پیشوای مردم گماردم گفت: و از فرزندان من؟ فرمود: عهد من به ستمکاران نمی‌رسد.» (بقره/۱۲۴)

شرط سوم: فقاقت

حاکم اسلامی باید عالم به احکام اسلام باشد تا بتواند آن‌ها را اجرا کند. در زمان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امام معصوم علیه‌السلام، این علم از سوی خداوند به آنان داده شده است و در زمان غیبت امام معصوم علیه‌السلام داناترین مردم به احکام، یعنی فقها این علم را با یادگیری در مکتب اسلام دارند.

قرآن درباره شرط علم می‌فرماید:

« أَمْ مَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ مَنْ لَّا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَىٰ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ -

آیا کسی که هدایت به سوی حق می‌کند برای پیروی شایسته‌تر است، یا آن کس که خود هدایت نمی‌شود مگر هدایتش کنند؟ شما را چه می‌شود، چگونه داوری می‌کنید؟» (یونس/۳۵)

فقیه کسی است که با تخصصی که سال‌ها در تحصیل آن کوشش کرده خودش می‌تواند احکام اسلام را از قرآن و سنت و عقل و اجماع به دست آورد و غیر فقیه کسی است که این تخصص را ندارد و باید احکام اسلام را از فقیه بیاموزد.

پاسخ به دو مطلب

در اینجا بعضی اشکالات و سؤالاتی را مطرح می‌کنند:

۱- غیر فقیه می‌تواند احکام اسلام را از فقیه بگیرد و حکومت کند، پس لازم نیست خودش فقیه باشد.

در پاسخ به این مطلب توجه به دو نکته ضروری است:

اول آن که: آگاهی‌های لازم از اسلام برای حکومت اختصاص به فتوا ندارد تا گفته شود غیر فقیه از فقیه تقلید می‌کند، بلکه در بسیاری از موارد فقیه باید با توجه به ملاک‌های ترجیح در تراجم احکام و یا تشخیص موارد مصلحت، حکم حکومتی صادر کند و حکم حکومتی خارج از دایره‌ی فتوا و تقلید است. و صدور حکم حکومتی در تخصص فقیه است.

دوم آن که: آیا غیر فقیه اطاعت از فقیه را در همه‌ی موارد بر خود لازم می‌داند؟ یا فقط در مواردی که خود تشخیص می‌دهد از فقیه اطاعت می‌کند در صورت دوم هیچ ضمانتی بر اطاعت از فقیه وجود ندارد و در صورت اول در واقع آن فقیه ولایت دارد و این شخص مجری از سوی او به‌شمار می‌آید و این با ولایت فقیه منافاتی ندارد.

۲- در این آیه اطاعت از «مَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ» سزاوارتر از «أَمْ مَنْ لَّا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَىٰ»

معرفی شده است و در تطبیق آن بر مورد ما اطاعت از فقیه را سزاوارتر از اطاعت غیر فقیه می‌داند. پس اطاعت غیر فقیه نیز با وجود فقیه مقبول است گرچه اطاعت از فقیه بهتر است.



(مانند این سخن را ابن ابی‌الحدید در شرح خود بر نهج‌البلاغه ج ۹ ص ۳۲۸ نسبت به مقایسه‌ی امام علی علیه‌السلام و خلفای پیش از او می‌گوید).

پاسخ: این سزاوتر بودن سزاواری در حد الزام است یعنی فقط باید از او پیروی کرد به قرینه این که در ذیل آیه مردم را توبیخ می‌کند که چرا از « مَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ » پیروی نمی‌کنید « فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ » این سزاواری در حد الزام در واقع معنای صفت تفصیلی را ساقط می‌کند مانند آیه « وَ أُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ » (احزاب ۶) که در بحث ارث است و وجود هر طبقه مانع از ارث طبقه دوم می‌شود. آیات بی‌شمار دیگری نیز وجود دارد که فضیلت عالمان را بر غیر عالمان بیان کرده است، از جمله:

« هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ - آیا کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند یکسانند » (زمر/۹)

شرط چهارم: کفایت

یعنی توانایی و شایستگی در اداره‌ی امور جامعه که از آن به مدیر و مدبر بودن نیز تعبیر می‌شود.

حضرت یوسف فرمود: « قَالَ اجْعَلْنِي عَلَىٰ خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلَيْم - گفت: «مرا سرپرست خزائن سرزمین (مصر) قرار ده، که نگهدارنده و آگاهم.» (یوسف ۵۵)

درباره داستان حضرت موسی علیه‌السلام و دختر شعیب نیز قرآن فرموده است: « إِنَّ خَيْرَ مَنْ اسْتَجَرْتَ الْقَوِيَّ الْأَمِين - بهترین کسی که می‌توانی به‌کارگیری (اوست که) توانای درستکار است.» (قصص ۲۶)

در داستان عفریت جنی و حضرت سلیمان علیه‌السلام نیز از قول آن عفریت فرمود:

« وَ إِنِّي عَلَيْهِ لَقَوِيٌّ أَمِين - من بر این کار توانای درستکارم.» (نمل ۳۹)

از مجموع این آیات فهمیده می‌شود اگر کسی کاری و پستی را به‌عهده می‌گیرد باید توانایی و صلاحیت لازم برای آن را داشته باشد.

## نتیجه

از مجموع آیاتی که در این موضوعات ذکر شد می‌توان تصویری کلی از سیمای حاکم از دیدگاه قرآن به دست آورد. در منطق قرآن حکومت و زمامداری تنها شایسته‌ی کسانی است که از صلاحیت‌های علمی و اخلاقی و توانمندی‌های لازم برخوردار باشند. به دست آوردن این تصویر در زمان غیبت امام معصوم علیه‌السلام بر ولایت مطلقه فقیه تطبیق می‌کند. از طرف دیگر حکومت اسلامی حکومت قانون خداست « مَنْ لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ - آن‌ها که به احکامی که خدا نازل کرده حکم نمی‌کنند، کافرند» (مائده/۴۴)

و حکم کردن به احکام الهی بدون حاکمیت دین‌شناس و متخصص مستعد در اجرای احکام الهی ( فقیه عادل و جامع‌الشرایط) امکان‌پذیر نیست.

برای مطالعه بیشتر مستندات قرآنی ولایت مطلقه فقیه و حکومت اسلامی به منابع زیر رجوع کنید:

- ۱- نگاهی به مبانی قرآنی ولایت فقیه نوشته علی ذوعلم.
- ۲- پیام قرآن جلد ۱۰ «قرآن مجید و حکومت اسلامی» نوشته آیت‌الله مکارم شیرازی.